

## آزمون انضباط در کلاس درس

۱- فرض کنید که جلسه‌ی چهارم کلاس شماست. یکی از موقعیت‌های زیر را انتخاب کنید. بنویسید که در این موقعیت:

(الف) چه احساس یا احساس‌هایی دارید؟ (ب) فکر می‌کنید که مشکل از چیست؟ (پ) چه راهکارهایی برای حل مشکل وجود دارد.

(الف) در حال قصه‌گویی برای دانش‌آموزان هستید، حدود ۷۰٪ بچه‌های کلاس به خوبی به قصه‌گوش می‌دهند. دو نفر از بچه‌ها اصلاً انگار که در کلاس نیستند و در فکر فرو رفته‌اند. سامان در ردیف سوم کنار پنجره نشسته‌است و از پنجره به بچه‌هایی نگاه می‌کند که در حیاط فوتبال بازی می‌کنند و گاهی دربارهی بازی فوتبال آن‌ها چیزی به بچه‌های کنار دستش می‌گوید. گاهی هم جسته‌گریخته به داستان شما گوش می‌دهد. جواد داستان شما را دنبال می‌کند. اما مدام وسط حرف شما می‌پرد یا اینکه دستش را بالا می‌برد و می‌خواهد چیزی بگوید.

(ب) در جلسات قبل متوجه شده‌اید که احمد همیشه بغل دستی‌هایش را اذیت می‌کند. چند بار جای او را در کلاس عوض کرده‌اید، اما تأثیری بر رفتار او نداشته‌است. او باز هم بغل دستی‌هایش را آزار می‌دهد و در روند کلاس وقفه ایجاد می‌کرده‌است. امروز احمد از همیشه بیشتر اذیت می‌کند. از او می‌خواهید که به درس گوش کند، او کمی به صحبت‌های شما گوش می‌دهد و پس از پنج دقیقه دوباره کارش را از سر می‌گیرد و جیغ کنار دستی‌هایش را در می‌آورد.

(پ) در حال قصه‌گویی برای دانش‌آموزان هستید. ناگهان سبیده با صدای بلند گریه می‌کند. همه‌ی بچه‌ها برمی‌گردند و به او نگاه می‌کنند. سبیده می‌گوید که نازنین او را زده‌است. نازنین می‌گوید که سبیده دزد است و مداد تراش او را برداشته‌است.

(ت) یکی از بچه‌ها می‌گوید: «ما در کلاس‌مان یک سیاهپوست داریم.» و به آرمین که کمی سیه‌چرده‌تر از سایر دانش‌آموزان است، اشاره می‌کند. همه‌ی دانش‌آموزان به محمد جواد نگاه می‌کنند و بعضی از دانش‌آموزان به او می‌خندند. یکی دیگر از بچه‌ها می‌گوید: «سجاد هم هست.» (سجاد دانش‌آموزی سبزه‌است.) سجاد عصبانی می‌شود و می‌گوید: «سیاهپوست باباته کثافت!» و او را می‌زند.

(ث) هنگامی که وارد کلاس می‌شوید با این منظره مواجه می‌شوید: در سه قسمت مختلف کلاس، بچه‌ها دو به دو در حال کتک کاری هستند. چهار یا پنج نفر از بچه‌های کلاس در حال خوردن لواشک هستند. دو نفر از بچه‌ها، به محض ورود شما پاهای شما را بغل می‌کنند و با مهربانی می‌پرسند: «امروز می‌خواهید چه داستانی برایمان بگویید؟»

۲- یکی از دو موقعیت زیر را انتخاب کنید و به پرسش مربوطه پاسخ دهید.

(الف) وارد کلاس می‌شوید. برنامه‌ی امروزتان این است که بچه‌ها را برای یک جشن به سالن ببرید. سالن در طرف دیگر حیاط مدرسه است و بچه‌ها برای رفتن به آنجا باید عرض حیاط را طی کنند. به بچه‌ها چه می‌گویید و چگونه آن‌ها را به سالن می‌برید؟

(ب) آخرین جلسه‌ی کلاس است. می‌خواهید که به هریک از دانش‌آموزان یک کتاب هدیه بدهید. به آن‌ها چه می‌گویید و چگونه کتاب‌ها را به آن‌ها می‌دهید؟

۳- می خواهید که یک دوره کلاس یا سال تحصیلی جدید را آغاز کنید. در مورد اولین جلسه، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) می خواهید که چه چیزهایی را از قبل راجع به کلاس بدانید؟ چرا؟

ب) برای جلسه اول چه عنوان یا موضوعی را انتخاب می کنید، چرا؟

پ) در مواقع زیر، به چه چیزهایی فکر می کنید و چه کارهایی انجام خواهید داد؟ (a) یک ساعت پیش از جلسه؟ (b) پنج دقیقه پیش از جلسه؟

ت) اگر پیش از آغاز جلسه، در مدرسه حضور داشته باشید، در موارد زیر چه کاری انجام خواهید داد؟ (a) پیش از وارد شدن به کلاس؟ (b) هنگامی که کودکان وارد کلاس می شوند؟

ث) چگونه درس را آغاز می کنید، (a) اگر دانش آموزان سریع سر جای خود بنشینند. (b) اگر دانش آموزان دیر سر جای خود بنشینند.

چ) تا جایی که ممکن است پیش بینی کنید که در طول اولین جلسه از چه نوع راهبردهایی در تدریس استفاده خواهید کرد، چرا؟ (راهبردهایی مثل کارگروهی، تکلیف انفرادی، تدریس به کل کلاس، پرسش و پاسخ، قصه گویی و ...)

۴- چهار قانون را که فکر می کنید برای کلاس شما ضروری هستند، نام ببرید.

۵- در هر یک از موارد زیر، الف) در صورتی که معلم اشتباه کرده است، بگوئید که اشتباه یا اشتباهات معلم چیست. ب) معلم چگونه می تواند اشتباهش را جبران کند یا معضل را حل کند. پ) معلم در دراز مدت چه باید بکند.

الف) دومین جلسه کلاس است، بنا به قوانین کلاس هرکس که سه اخطار بگیرد، باید از کلاس خارج شود. آرش سومین اخطار را دریافت می کند. معلم از او می خواهد که از کلاس خارج شود. آرش حاضر نیست که از کلاس بیرون برود. معلم به سمت آرش می رود تا او را به خارج از کلاس هدایت کند. آرش از دست معلم فرار می کند. معلم که نمی تواند او را بگیرد، از او می خواهد که روی صندلی تکی که آخر کلاس قرار دارد، بنشیند. آرش روی آن صندلی می نشیند. کمی بعد صدای بچه های ردیف عقب در می آید. آرش گلوله های کاغذ توی یقه شان می اندازد.

ب) طبق قوانین کلاس هر دانش آموزی که دو اخطار بگیرد، از چیزی محروم می شود. این آخرین جلسه کلاس است. معلم در ابتدای کلاس قوانین را برای دانش آموزان مرور کرده است. او حین درس دادن، گاهی بر روی کاغذش چیزهایی می نویسد. در پایان کلاس قرار است که به همه دانش آموزان هدیه ای به مناسبت پایان دوره داده شود. معلم می گوید: «امیر و هادی به دلیل اینکه دو اخطار گرفته اند. الان نمی توانند جایزه شان را دریافت کنند. اما پس از پایان زنگ بعد، می توانند بیایند و جایزه شان را بگیرند.» هادی در حالی که بغض کرده است، با حسرت به هم کلاسی هایش نگاه می کند که جایزه می گیرند. یکی از هم کلاسی ها راجع به هدیه ای که گرفته است، چیزی به هادی می گوید. هادی به شدت او را کتک می زند. معلم آن ها را از هم جدا می کند و به هادی تذکر می دهد. بچه ها از کلاس خارج می شوند. هنوز زنگ تفریح تمام نشده است که معلم امیر و هادی را صدا می زند که بیایند و جایزه شان را بگیرند. امیر با خوش حالی جایزه را می گیرد و تشکر می کند.

هادی برای گرفتن جایزه نمی‌آید. معلم، جایزه را به خداداد که دوست هادی است، می‌دهد و از او می‌خواهد که جایزه را به هادی برساند. کمی بعد خداداد می‌گوید که هادی جایزه را شکانده و در سطل آشغال انداخته است.

پ) جلسه‌ی اول کلاس است. بچه‌های کلاس خیلی شلوغ می‌کنند و کوچک‌ترین توجهی به درس ندارند. معلم چندین بار سعی می‌کند که آن‌ها را آرام کند: قصه می‌گوید، داد می‌زند، صدایش را بلند می‌کند... اما هر بار بچه‌ها یکی دو دقیقه آرام می‌شوند و دوباره سر و صدا می‌کنند. یکی دو تا از بچه‌های ردیف اول که از این وضعیت خسته شده‌اند و دوست دارند که صدای معلم را بشنوند، بر روی میز می‌کوبند. یکی از بچه‌ها شلنگی می‌آورد و از معلم می‌خواهد که بچه‌ها را با شلنگ بزند. معلم که از این وضع کلافه شده است، از ناظم مدرسه می‌خواهد که بچه‌ها را آرام کند. معلم همچنین از ناظم می‌خواهد که با بچه‌ها برخورد بدی نداشته باشد. ناظم وارد کلاس می‌شود و بچه‌ها را به فحش می‌بندد و یکی دو تا از آن‌ها را با شلنگ می‌زند، سپس از کلاس خارج می‌شود. پس از خروج ناظم، کلاس در سکوتی عمیق فرو رفته است.

ت) جلسه‌ی سوم کلاس است. بچه‌های کلاس شلوغ می‌کنند و به درس گوش نمی‌دهند. معلم چندبار از بچه‌ها خواسته که آرام بگیرند. بچه‌ها حرف می‌زنند. یکی از آن‌ها بقیه را می‌زند. یکی دو نفر هم سر جایشان نمی‌نشینند و در کلاس راه می‌روند. معلم می‌گوید: «اگر آرام نگیرید مجبور می‌شوم که کلاس را تمام کنم و از کلاس بیرون بروم.» یکی دو نفر از بچه‌ها هورا می‌کشند و می‌گویند: «ایول!! بچه‌ها بریم حیاط!!» و به سمت در می‌روند که از کلاس خارج شوند.

ث) معلم متوجه می‌شود که ریحانه کتاب مونا را خط‌خطی کرده است. او به ریحانه در مورد این کارش تذکر می‌دهد. ریحانه زیر لب به معلم می‌گوید: «گاو احمق!» کودکانی که در نزدیکی این دو نفر نشسته‌اند، می‌زنند زیر خنده.

۶- یکی از راهکارها برای موارد خفیف بی‌نظمی این است که از نشانه‌های غیرکلامی استفاده کنیم. الف) سه مورد خفیف بی‌نظمی را نام ببرید. ب) سه راه برقراری ارتباط غیر کلامی در موارد خفیف بی‌نظمی را بیان کنید.

۷- الف) بچه‌های کلاس امروز قوانین کلاس را به خوبی اجرا کرده‌اند و به درس شما توجه کرده‌اند. می‌خواهید که آن‌ها را تشویق کنید. چه می‌گویید یا می‌کنید؟

ب) ده مورد جایزه مناسب برای کودکان ابتدایی محروم نام ببرید.

۸- بنابه نظریه درایکورس مشخص کنید که احتمالاً انگیزه هریک از کودکان زیر از بروز رفتار ناسازگارانه چیست.

الف) وقتی سؤالات حین قصه را می‌پرسید داوود تعمداً جواب‌های غلط می‌دهد. وقتی در حال درست کردن کاردستی هستید، او قیچی را از هم‌کلاسی‌هایش می‌گیرد یا مدارنگی را به آن‌ها نمی‌دهد. وقتی پشتتان را به کلاس می‌کنید تا پای تخته چیزی بنویسید، داوود آواز می‌خواند.

ب) از بچه‌ها می‌خواهید که دفترشان را دریاورند. اما سینا این کار را نمی‌کند. به او می‌گویید: «دفترت را بیرون بیاور.» می‌گوید: «دلم نمی‌خواهد.» به او می‌گویید: «اگر دفترت را بیرون نیاوری، مجبور می‌شوم که طبق قوانین کلاس به تو اخطار بدهم.» می‌گوید: «هر غلطی که دلت می‌خواهد بکن!»

پ) آرمیتا ردیف آخر کلاس می‌نشیند. وقتی سؤالات حین قصه را می‌پرسید، آرمیتا مدام دستش را بالا می‌برد و اصرار دارد که جواب را بگوید. وقتی از او می‌خواهید که پاسخ بدهد، بسیاری از اوقات می‌گوید: «ا...ا...ا...م...م...م... یادم رفت...» گاهی وقت‌ها که از بقیه سؤال می‌پرسید، او بدون توجه به سایر بچه‌ها، بدون اجازه تا جلوی کلاس می‌آید و حرف خودش را می‌زند. مثلاً می‌گوید: «خانم ما یه بار با مامانمون رفته بودیم دم مغازه، بعدش ....» زنگ تفریح‌ها آرمیتا تا شما را می‌بیند، سمت شما می‌دود و شما را بغل می‌کند.

ت) علیرضا مدام هم‌کلاسی‌هایش را می‌زند. او سنگ‌های بخاری دیواری کلاس را درآورده است و بر آن‌ها ادرار کرده است. وقتی معلم می‌خواهد که دست او را بگیرد و او را وارد بازی کند، دستش را می‌کشد و به معلم لگد می‌زند.

۸- پر تکرارترین موقعیتی که کنترل کلاس را برای شما مختل می‌کند بنویسید و راهکار حل این مشکل را بیان کنید.